



باز خوانی دیدگاه‌های مرحوم حسن شایانفر درباره نفوذ فرهنگی

انجام می پذیرفت – اعلام می کردند. آنان به زعم خود مدعی بودند که تمامی فعالیت‌های ضد فرهنگی که توسط عناصر و نشریات فوق الذکر در داخل کشور انجام می پذیرد، محصول برنامه ریزی های دقیق و طراحی شده از سوی کارگزاران اطلاعاتی وفرهنگی نظام است. این گروه از آنجا که در تبلیغات خصمانه خود همواره از جمهوری اسلامی به عنوان نظامی که در آن سرکوب، سانسور، خفقان و وحشت پیدای می کند، یاد می کردند، بالمال چنین نتیجه گیری می کردند که هیچ هنرمندی در این سرزمین قادر به خلق اثر هنری نیست، مگر با سرسپردگی به رژیم و مزدوری آن.

سرپل های پیوند جریان استحاله طلب با فداانقلاب خارج کشور
اما در این میان دسته دیگری هم وجود داشتند؛ پیروان این نظریه که امروزه از اکثریت چشمگیرتری نسبت به گروه اول برخوردارند، همواره از تحركات عناصرضدانقلاب درداخل کشور به عنوان سمبلیهای مقاومت فرهنگی جبهه‌های داخلی یادکرده و می کنند و این در حالی است که این روزها با گذشت زمان به

وقتی شبه روشنفکران از لاک خویشی خارج شدند!

محمدتقی توکلی بسرمايه دار و صاحب کارخانجات کبريت سازي تبريز وي درسال ۱۳۲۳ به ايران بازگشته است. هدف اين شخص هم بازيس گيري اموالش بوده است.

مهين نمازي، وي از اعضاي خانواده فروتنمد نمازي شيراز و ازدوستان بسيار نزديک اسدالله علم و ريچارد هلمز سفيرسابق آمريکا در ايران بود. اين خانم به فساد اخلاقي شهره بوده و هست و در زمان حکومت محمدرضا پهلوی ارتباط نزديکی با محمدرضا پهلوی داشت. او همسر مهدی شیبانی استاندار مازندران در سال‌های قبل از انقلاب بود.

- پوران خانم، خواهر ارشدید خانم، فرمانده نیروی هوایی شاه و شوهر فاطمه پهلوی، وی هم باهدف بازيس گيري اموال ودارایی هایش به ايران بازگشته است. او توانسته هکتهارها زمين را از آستان مقدس حضرت امام خميني پس بگيرد و پول بسيار زيادی بايک کرايه عبور لوله نفت از داخل زمينهايش از وزارت نفت دريافت نمايد.

- بهرام مسعودی فرزند عباس مسعودی مالک اسبق مؤسسه «اطلاعات»، علی‌نقی فرمافرمایيان مديرعامل «بانک توسعه صنعتی»، قاسم طاهباي صاحب امتياز مجله «روز و و شربک تجاری دکترمصباح زاده، هوشنگ رام مديرعامل بانک «همران» در عصر ستمشاهی و از افراد بسيار نزديک به شاه، و منوچهر کلانلي مديرکل «حزب ايران نوين» هم از همين دست افراد هستند که در کشور برگشته‌اند.

جماعت به اصطلاح روشنفکر که تا پيش از اين ايام، حضور روشن و مفيدی در مسايل اجتماعي نداشتند و حتی در طول هشت سال جنگ تحميلي عراق و مقاومت مردم ايران نه تنها به دفاع از آرزوهاي اين مردم قلم خود را بر صفحه کاغذ به گردش در نياوردند، بلکه در هر فرصت موقعيت، به نفی وتحقير آن همه مجاهدت و ايثارنريز پرداختند و بعضاً با تضعيف روحيه عمومي مردم به دشمن خارجي کمک کردند، با پايان يافتن جنگ تحميلي و مطرح شدن مقوله تهاجم فرهنگي از انزوا بيرون آمده و به بسط ارتباط با عناصر فراري و نشر آرا و اندیشه های معارض با بنيادهای فکری اهل دینانت پرداختند. با نگاهي به ليست مطبوعات ادبي و فرهنگي فارسی زبان مقیم خارج از کشور و دقت در اسامي مديران مسئول صاحبان امتياز و سردبيران اين نشریات به اين نتيجه می‌رسيم که سرمايه اوليه اين نشریات به وسيله سرمايه داران يهودی و يهپاي و انجمن‌های ماسوني و کلوپهای روتاری بامين می‌گردد.

لازم به ذکر است که در طول سالهای دفاع مقدس در جمع ضداقلبايون فراري وروشنفکران وابسته مقیم خارج از کشور، معدود نشریات و عناصری وجود داشتند که يپوسته اعترافي خود را به اشکال گوناگون نسبت به فعاليتهاي سياسي و فرهنگي – که توسط تعدادی از نشریات و عناصرمعلوم الحال در داخل کشور



بررسی کارنامه محمدحسین میمندی نژاد نویسنده: فاطمه فرد

میمندی نژاد: زن منتهای خشونت است!

در فضای ملتهب شهريور ۱۳۵۷ که رژیم پهلوی برای آرام کردن آن و تحريف افکار عمومي، عده‌اي از بدنام‌های مشهور را به صورت فرمايشی دستگير و خير آن را به صورت جنجالي در جامعه منتشر می کرد، محمد حسين میمندی‌نژاد نیز به دليل سابقه طولانی در توهين به دين اسلام و مالم روحانيت دستگير و زنداني شد.

پس از اين حکم و خير زندانی شدن وی که در صحت آن تردید است، میمندی‌نژاد نامه‌ای می‌نويسد که بخشی از آن در روزنامه کيهان مورخه ۱۳۵۷/۷/۱۲ ذکر می‌شود و در آن خود را به عنوان مسلمان معرفی می‌کند. البته همان‌طور که در سطور پيشين بخش‌هایی از اين نامه ذکر شد، سراسر نامه بر است از براتت از اسلام و تحريف اسلام. پس از همه پيگيري‌ها، در دی ماه ۱۳۵۷ سلاواک در سند دیگری مسير دادگاه میمندی‌نژادرا چنین گزارش می‌دهد: نشریه رنگين کمان که از بدو انتشار حملاتی را به منهدبين از جمله خميني وارد می‌ساخته در زمان صدارت آقای مهندس شريف امامي نیز مقاله‌اي عليه خميني هم‌چنين بعضی از مسائل مذهبي میمندی‌نژاد داده بود که در همان زمان از طريق وزارت اطلاعات و چهارگدی از انتشار منجل قبله از توزیع جلوگیری و پرونده امر به دادگستری ارسال و بازيرس مربوط به صورت قرار به مبلغ «۲۰۰٬۰۰۰» ريال وجهالضمان نامبرده را آزاد ساخت. پرونده امر به دادگاه عالی جنایي ارائه و تحت بررسی است و به منتهم پرونده ايشاد بلخ که وكيل جهت دفاع از خود معرفی و در صورت عدم معرفی وكيل تسخیری از طرف دادگاه انتخاب خواهد شد. ضمناً نامبرده مورد لطف و محبت تيمسار ارشدید فردوست و از زمان آن در دادگاه و احتمالاً بهره‌برداري تبليغياتي از اظهاراتش تقاضا دارد با تيمسار سپهبد رياست سلاواک قبل از تاريخ دادگاه ملاقاتي انجام دهد.

میمندی‌نژاد در جواب تيمسار ارشدید فردوست و از زمان قلم‌مقامی معظمله در سلاواک ماهيانه مبلغ ۱۵۰۰۰ ريال دريافت می‌دارد.

در پرونده ۵۴۳۸ میمندی‌نژاد بايگانی ش‌ود ۵۷۱۰/۵ زرگان ترتيب ملاقات با دفت‌ر داده ش‌ود ۱۰/۸

میمندی‌نژاد که قرار بود افکار خاص و به خصوص مخالف اسلام را به شیوه‌های گوناگون در جامعه رواج دهد، از آنجا در رنگين کمان که در نشریات ديگر نیز به دستور سلاواک قلم می‌زد، از آن جمله است روزنامه کيهان.

وی که به عنوان مفسر قرآن و ارائه دهنده اسلام حقيقي نیز روی معرفی خود حساب باز کرده است، در یکی از مقالات منمحر به فرديش با عنوان « چگونه زن و شوهر می‌توانند بديگدر را خوشبخت کنند» در معرفی زنان می‌نويسد: «زن ايسن معجون هزار رنگ... اين موجودی که لحظه‌اي ثبات و قرار و آرامش ندارد، اين جنس لطيفی که در منتهای خشونت‌خوستانه‌ها و اميال خود را عملي می‌سازد.

اصلاً خوشبخت شدن برای زن ساخته نشده و خوشبختی وراه‌های است که رسيدن به آن برای زن میسر نیست، زیرا زن قانع نتيه هيچ چیز نمی‌تواند هوی و هوس را از خاموشی بردارد. اين شهيرو رنگين کمان چه چیز نمی‌تواند

ما فکر می‌کنيم همسر خود را خوشبخت سازيم اما اين فکر عجب و بيجا است. زیرا بدبختی مانند خوره موجوديت زن را فرا گرفته و امکان خوشبخت ساختن زن از محلات به نظر می‌آيد.»

پاورقی

Research@kayhan.ir

صفحه ۶
چهارشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۵
۳ جمادی الاول ۱۴۳۸ – شماره ۲۱۵۵۱

را مورد تجزيه و تحليل قرار می‌دهد تا به خيال خود در خلال فيلم اين دلایل را رد کند. اين چهار دليل عبارتند از:

- هيچ برنامه سازمان يافته‌ای برای قتل عام يهود وجود ندارد.
- قربانيان يهودی بسيار کمتر از ۶ ميليون نفر است.
- هيچ اتناق گاز يا وسيله قتل عام يهود وجود ندارد.

- هولوکاست برای افزايش شانس اسرائيل و دريافت گرامت ساخته شده است.

و حال آنکه کتاب کاليدشکافي هولوکاست^(۱) ابعاد بسيار گسترده‌اي از افکار هولوکاست را با مقالات بسيار مستند و مستدل تحت مديريت مرکز بازنگري تاريخی^(۲) در آمريکا، گرد آورده است که تاکنون نه تنها هيچ مدافعی از هولوکاست يساری ليبيشاتن مبارزطلعي موسسه باسخ‌دهی به آن را نداشتند است. ليبيشاتن مبارزطلعي موسسه بازنگري تاريخی را در فيلم به سخره می‌گيرد. در آنجا که ايرونگ ادعا می‌کند که اگر هر کس فقط یک سند، فقط یک سند از اثبات هولوکاست نشان دهد همين الان ۱۰۰۰ دلار به او خواهام داد. ادعای که روبر فوريسون^(۳) نیز در کنفرانس هولوکاست مطرح کرد و ادعا نمود که حتی یک سند مبنی بر اثبات هولوکاست وجود ندارد.

۲- ديورا ليبيشاتن در فرازی از فيلم، نام خود را رهبر و حمايت‌کننده و جنگجو معنی می‌کند و به هنگام حضور در انگليس یک بار در ابتدای جريان دادگاه و یک بار به هنگام پيروي در جريان دادگاه مقابل مجسمه بوديکا^(۴) قرار می‌گيرد و نشان می‌دهد که در نبرد با دشمنان همچون بوديکا (فرمانده یکی از قبيله‌های سلتي به نام آی سيني در انگليس در سال ۶۰ ميلادی که باعث کشتار ۷۰ هزار رومی می‌شود و در پايان نیز

او در سال ۱۹۹۶ به دليل چاپ کتاب «نکار هولوکاست» که توسط ليبيشاتن در آمريکا و در سال ۱۹۹۳ منتشر شده بود، عليه نويسنده شکايت می‌کند چرا که ليبيشاتن در اين کتاب او را منتقل و منصب خوانده و منتهم کرده بود که او اسناد واقعي را دستکاری و منهدم کرده است. ليبيشاتن ديگر با استخدام یک تيم حقوقی کارگشته که پيش از اين پرونده دين را در دست داشتند، موفق می‌شود که با حمايت مالي و معنوی صهيونست‌ها، ايرونگ را در دادگاه محکوم نمايد.

ديورا ليبيشاتن از مداری آلمانی و پدري کانادايی در سال ۱۹۴۷ زاده شده و هم‌اکنون با گذشت ۶۹ سال از عمرش در نيويورک تحت حمايت صهيونيست‌ها در عرصه دفاع از هولوکاست فعال است. او اسناد دانشگاه رايموری است و در سال ۱۹۹۷ نیز از آن جايزه برای تدريس برتر دريافت کرده و از سوی بيل کلينتون به دليل سوابق تحقيق و تدريس در امر يهود و هولوکاست در احداث موزه هولوکاست مورد مشورت قرار گرفته و حتی مسئوليتی در اداره آن برعهده می‌گيرد.

چهار اثر برجسته او در اين حوزه فراتر از ايمان^(۵) (۱۹۸۶) انکار هولوکاست^(۶) (۱۹۹۳) تاريخ محاکمه^(۷) (۲۰۰۵) که اين فيلم بر همين اساس ساخته شده است و محاکمه آيشمن (۲۰۱۱) بود که هانا آرنت^(۸) نیز با نگاهي متفاوت به محاکمه آيشمن در اورشليم^(۹) پرداخته است که خوشايند صهيونست‌ها نبود.

۱- Daniel Craig
2- Sun Shine
3- David Irving
4- Beyond Belief
5- Denying the Holocaust
6- History on trial
7- The Eichmann trial
8- Hannah Arendt
9- Eichmann in Jerusalem
10- Dissetting the holocaust the growing critique of truth and memory - Editor: germar rudolf - 2003 - us Institute for historical review (www.IHR.org)
11- Institute for historical review. (www.ihr.org)
12- Robert Faurisson
13- Boudica

خود را مسموم می‌کند.)
این دقیقاً شبیه داستان استر در دربار خشایارشا که با توطئه عموی خود مردخای، کشتار ۷۵ هزار ایرانی را طراحی و اجرا کرده و يهوديان هر سال به همين مناسبت آن را به عنوان عيد پوريم جشن می‌گيرند.

* ايرونگ ادعا می‌کند که اگر هر کس فقط یک سند، فقط یک سند از اثبات هولوکاست نشان دهد همين الان ۱۰۰۰ دلار به او خواهام داد.

۱- ايرونگ ادعا می‌کند که اگر هر کس فقط یک سند، فقط یک سند از اثبات هولوکاست نشان دهد همين الان ۱۰۰۰ دلار به او خواهام داد.

* **ايلات متحده در جنگ جهانی دوم درصدد رساندن ارزاق به بلژیک برآمد تا جان ۷/۵ ميليون بلژیکی را از گرسنگی نجات دهد؛ روشن است که چنین شوقی را برای رفع قحطی در ايران نشان نداد.**

ولی سهم دولت ايران را به همان رقم ثابت ۳۰۰۰۰ پوند پرداخت می‌کردند که به شدت از ارزش آن کاسته شده بود (ارزش هر پوند استرلينگ از ۶۵ قران اوليه به ۱۸ قران کاهش يافته بود). درخواست دولت ايران برای دريافت اين وجه به قران گوش شنوایی نيافت. با توجه به کاهش شديد ارزش استرلينگ، دولت ايران یک سوم مبلغی را که پيشتر می‌گرفت دريافت می‌کرد. علاوه بر اين، با افزايش سطح قيمت‌ها، قدرت خريد واقعي بر اساس پرداخت ماهانه عملاً به هيچ رسيده بود. به اين ترتيب، درآمدهای گمرکی برای همه کاربردهای عملي پايان يافته بود.

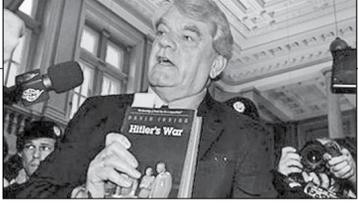
ضبط درآمدهای نفتی ايران تنگنای مالی کشور را کامل کرد. بی‌ترديد، مهم‌ترين اقدام مالی عليه ايران محروم ساختنش از درآمدهای نفتی بود. در زمانی که ميليون‌ها ایرانی گرسنه بودند، دولت انگليس و شرکت نفت انگليس و ايران (آنها در واقع یکی بودند) درآمدهای نفتی ايران را به بهانه‌ای همتی ضبط کردند. مقدار درآمدهای نفتی ايران در ۱۹۱۹-۱۹۱۴ هفت ميليون پوند بود. اين رقم معادل ۴۰ ميليون دلار، رقمی کلان بر اساس معيارهای آن زمان و تقريباً چهار برابر کل بودجه سالانه دولت ايران بود. اگر اين مبلغ پرداخت می‌شد، بسياری از مرگ ناشی از گرسنگی و بيماری نجات می‌يافتند. در ۱۹۱۱، توليد نفت خام ايران آغاز شد و با ساخت پالايشگاه آبادان در ۱۹۱۲، ايران به سرعت به توليدکننده و صادرکننده عمده نفت تبديل شد. امتياز نفت را شرکت نفت انگليس و ايران در اختيار داشت، که در ۱۹۱۴ دوسوم سهام آن متعلق به دولت انگليس بود. از آن آغاز، توليد نفت و همراه با آن سود شرکت نفت به شدت افزايش يافت. اگر شريک نفت انگليس و ايران حق امتياز و درآمد ايران را به درستی پرداخت کرده بود (حدود ۲۵٪ درآمد شرکت بر اساس امتياز دارسی)، درآمدهای نفت کاهش درآمد گمرکات را محسوب می‌شد.

بالفاصله بعد از آغاز جنگ در ۱۹۱۴، انگليسی‌ها پرداخت حق‌الامتياز ايران را متوقف کردند و حتی به خاطر صدماتی که برخی ايليانی‌ها متخاصم در فوريه ۱۹۱۵ به خط لوله وارد ساخته بودند، آن چه را در کنترلش نبود نداشت و خط لوله در ژوئن ۱۹۱۵ تعمير کردند. انگليس‌ها همچنان از پرداخت حق‌الامتياز دولت ايران سر باز زدند. اين پرداخت‌ها تا پس از کودتای ۱۹۲۰ و به قدرت رسيدن رضا پهلوی از سر گرفته نشد. ايران از دست‌کم هشت ميليون پوند محروم شده، مبلغی که می‌توانست جان بسياری را از قحطی نجات دهد. شايسته توجه است که «سلاح نفت» که ايران را از درآمدهای نفتی محروم می‌کند، نخستين‌بار در جنگ جهانی اول عليه اين کشور استفاده شد. اين اقدام بار ديگر در جريان چالاش ملی‌سازی نفت ايران در ۵۳-۱۹۵۱ رخ داد که انگليسی‌ها، با رضایت آمريکا، پيش از کودتای انگليس- آمريکايی که به خلع مصدق بازرگرددن شاه پهلوی به تخت انجديدت، نفت ايران را تحريم و در نتيجه دولت محمد مصدق را از شهادت تضعيف کردند.

به بهانه یک فيلم در مورد هولو کاست ۲

عليرضاسلطان‌شاهی

مورخ انگلیسی: تنها یک سند برای اثبات هولوکاست ارائه کنید



دیوید ابروینگ، مورخ و پژوهشگر انگلیسی منکر هولوکاست علیه دیورا لیپیشاتن محقق یهودی آمریکایی مدافع هولوکاست، در دادگاه‌های انگلیسی اقامه دعوا می‌کند.

از ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۱۵ به عنوان مختلف و از جشنواره‌های متعدد ۲۰ مقام و جايزه بدست آورده است، چرا که از ۱۹۹۴ تا سال ۲۰۱۷، در سينما ۴۵ فيلم بازي کرده است و از ۱۹۹۲ تا ۸۰۲۰۱۱ کار تلویزیونی در آثارش ديده می‌شود و تقريباً در همين سال‌ها، ۶ کار تئاتر هم دارد او در چند سال اخير در حوزه موسيقي نیز زيور کرده و حتی یک وديئو تيم هم دارد. ريجل وايز همسر دائيل گريک^(۱) هنرپيش نقش جيمزباند از سال ۲۰۱۱ می‌باشد.

وايز به دليل تعلقات يهودی و صهيونيتی نسبت به مشارکت در آثار صهيونستی اهتمام دارد و فيلم انکار یکی از اين آثار است. چنان که فيلم سان‌شاین^(۲) در سال ۱۹۹۹ از ديگر آثار او در مورد هولوکاست می‌باشد. و به احتمال زياد در اين حوزه به فعاليت خود ادامه خواهد داد.

اين فيلم علی‌رغم سرمايه‌گذاری ۱۰ ميليون دلاری، تنها ۴/۲ ميليون دلار در گيشه به دست آورد.

داستان واقعي فيلم

دیوید ابروینگ^(۳)، مورخ و پژوهشگر انگلیسی منکر هولوکاست علیه دیورا لیپیشاتن محقق یهودی آمریکایی مدافع هولوکاست، در دادگاه‌های انگلیسی اقامه دعوا می‌کند.

او در سال ۱۹۹۶ به دليل چاپ کتاب «نکار هولوکاست» که توسط لیپیشاتن در آمریکا و در سال ۱۹۹۳ منتشر شده بود، علیه نویسنده شکایت می‌کند چرا که لیپیشاتن در این کتاب او را منتقل و منصب خوانده و منتهم کرده بود که او اسناد واقعي را دستکاری و منهدم کرده است. لیپیشاتن ديگر با استخدام یک تيم حقوقی کارگشته که پيش از اين پرونده دين را در دست داشتند، موفق می‌شود که با حمايت مالي و معنوی صهيونست‌ها، ايرونگ را در دادگاه محکوم نمايد.

ديورا ليبيشاتن از مداری آلمانی و پدري کانادايی در سال ۱۹۴۷ زاده شده و هم‌اکنون با گذشت ۶۹ سال از عمرش در نيويورک تحت حمايت صهيونيست‌ها در عرصه دفاع از هولوکاست فعال است. او اسناد دانشگاه رايموری است و در سال ۱۹۹۷ نیز از آن جايزه برای تدريس برتر دريافت کرده و از سوی بيل کلينتون به دليل سوابق تحقيق و تدريس در امر يهود و هولوکاست در احداث موزه هولوکاست مورد مشورت قرار گرفته و حتی مسئوليتی در اداره آن برعهده می‌گيرد.

چهار اثر برجسته او در اين حوزه فراتر از ايمان^(۵) (۱۹۸۶) انکار هولوکاست^(۶) (۱۹۹۳) تاريخ محاکمه^(۷) (۲۰۰۵) که اين فيلم بر همين اساس ساخته شده است و محاکمه آيشمن (۲۰۱۱) بود که هانا آرنت^(۸) نیز با نگاهي متفاوت به محاکمه آيشمن در اورشليم^(۹) پرداخته است که خوشايند صهيونست‌ها نبود.

۱- ليبيشاتن در ابتدای فيلم با طرح ۴ محور و دليل، افکار هولوکاست

نکات فيلم

۱- ليبيشاتن در ابتدای فيلم با طرح ۴ محور و دليل، افکار هولوکاست

نگاهی مستند به بزرگ‌ترین جنایت جنگی انگلستان در ایران – ۴

انگلستان با جلوگیری از ورود ارزاق به ایران میلیون‌ها نفر را به گشتن داد

۱- انگلستان با جلوگیری از ورود ارزاق به ایران میلیون‌ها نفر را به گشتن داد.

* **ايلات متحده در جنگ جهانی دوم درصدد رساندن ارزاق به بلژیک برآمد تا جان ۷/۵ ميليون بلژیکی را از گرسنگی نجات دهد؛ روشن است که چنین شوقی را برای رفع قحطی در ايران نشان نداد.**

ولی سهم دولت ايران را به همان رقم ثابت ۳۰۰۰۰ پوند پرداخت می‌کردند که به شدت از ارزش آن کاسته شده بود (ارزش هر پوند استرلينگ از ۶۵ قران اوليه به ۱۸ قران کاهش يافته بود). درخواست دولت ايران برای دريافت اين وجه به قران گوش شنوایی نيافت. با توجه به کاهش شديد ارزش استرلينگ، دولت ايران یک سوم مبلغی را که پيشتر می‌گرفت دريافت می‌کرد. علاوه بر اين، با افزايش سطح قيمت‌ها، قدرت خريد واقعي بر اساس پرداخت ماهانه عملاً به هيچ رسيده بود. به اين ترتيب، درآمدهای گمرکی برای همه کاربردهای عملي پايان يافته بود.

ضبط درآمدهای نفتی ايران تنگنای مالی کشور را کامل کرد. بی‌ترديد، مهم‌ترين اقدام مالی عليه ايران محروم ساختنش از درآمدهای نفتی بود. در زمانی که ميليون‌ها ایرانی گرسنه بودند، دولت انگليس و شرکت نفت انگليس و ايران (آنها در واقع یکی بودند) درآمدهای نفتی ايران را به بهانه‌ای همتی ضبط کردند. مقدار درآمدهای نفتی ايران در ۱۹۱۹-۱۹۱۴ هفت ميليون پوند بود. اين رقم معادل ۴۰ ميليون دلار، رقمی کلان بر اساس معيارهای آن زمان و تقريباً چهار برابر کل بودجه سالانه دولت ايران بود. اگر اين مبلغ پرداخت می‌شد، بسياری از مرگ ناشی از گرسنگی و بيماری نجات می‌يافتند. در ۱۹۱۱، توليد نفت خام ايران آغاز شد و با ساخت پالايشگاه آبادان در ۱۹۱۲، ايران به سرعت به توليدکننده و صادرکننده عمده نفت تبديل شد. امتياز نفت را شرکت نفت انگليس و ايران در اختيار داشت، که در ۱۹۱۴ دوسوم سهام آن متعلق به دولت انگليس بود. از آن آغاز، توليد نفت و همراه با آن سود شرکت نفت به شدت افزايش يافت. اگر شريک نفت انگليس و ايران حق امتياز و درآمد ايران را به درستی پرداخت کرده بود (حدود ۲۵٪ درآمد شرکت بر اساس امتياز دارسی)، درآمدهای نفت کاهش درآمد گمرکات را محسوب می‌شد.

بالفاصله بعد از آغاز جنگ در ۱۹۱۴، انگليسی‌ها پرداخت حق‌الامتياز ايران را متوقف کردند و حتی به خاطر صدماتی که برخی ايليانی‌ها متخاصم در فوريه ۱۹۱۵ به خط لوله وارد ساخته بودند، آن چه را در کنترلش نبود نداشت و خط لوله در ژوئن ۱۹۱۵ تعمير کردند. انگليس‌ها همچنان از پرداخت حق‌الامتياز دولت ايران سر باز زدند. اين پرداخت‌ها تا پس از کودتای ۱۹۲۰ و به قدرت رسيدن رضا پهلوی از سر گرفته نشد. ايران از دست‌کم هشت ميليون پوند محروم شده، مبلغی که می‌توانست جان بسياری را از قحطی نجات دهد. شايسته توجه است که «سلاح نفت» که ايران را از درآمدهای نفتی محروم می‌کند، نخستين‌بار در جنگ جهانی اول عليه اين کشور استفاده شد. اين اقدام بار ديگر در جريان چالاش ملی‌سازی نفت ايران در ۵۳-۱۹۵۱ رخ داد که انگليسی‌ها، با رضایت آمريکا، پيش از کودتای انگليس- آمريکايی که به خلع مصدق بازرگرددن شاه پهلوی به تخت انجديدت، نفت ايران را تحريم و در نتيجه دولت محمد مصدق را از شهادت تضعيف کردند.

ديکسون می‌گويد که اگر اين مقدار آذوقه در محل تهيه نمی‌شد، می‌بايد از هندوستان وارد می‌شد و ايسن ظرفيت کشتيرانی را اشغال می‌کرد. ژنرال ديکسون اظهار می‌دارد که خريدهای محلی، ظرفيت کشتيرانی را آزاد کرده تا در اقيانوس اطلس به کار گرفته شود. روشن است که انگليسی‌ها می‌توانسته‌اند از هندوستان برای تغذيه مردم گرسنه ايران غله وارد کنند، اما برای آزاد ساختن ظرفيت کشتيرانی از اقيانوس اطلس، ميليون‌ها ایرانی قربانی شده‌اند. در زمانی که اداره منابع محلی بين‌النهرين به خريد آذوقه در غرب و شمال ايران مشغول است، ژنرال دلبیوني، آر. ديکسون گزارش مفصلي از خريد آذوقه انگليسی‌ها در شرق ايران دارد.

* **در زمانی که ايران در آستانه گرفتار آمدن به جنگال قحطی مهیبي است که ميليون‌ها نفر را کشت، انگليسی‌ها مانع از واردات مواد غذایی از ايلات متحده می‌شوند.**

می‌شد. آغاز جنگ به شدت از تجارت خارجی کاست و به اين ترتيب درآمدهای گمرکی نیز کاهش يافت و باعث به وجود آمدن بحران مالی برای دولت ايران گرديد. در نتيجه، ميان دولت ايران و دولت‌های روسيه و بریتانيا بر سر سدادن «مهلت قانونی» به ايران، توافق شد. براساس توافق مهلت قانونی (استمهال)، پرداخت وام‌ها به تعويق افتاد و مقرر شد تمام درآمدها به دولت ايران داده شود. با رکود تجارت در اثر جنگ، پرداخت‌های ناشی از استمهال کافی نبود. در بخشی از توافق با دولت ايران در ژوئيه ۱۹۱۶، دولت‌های روسيه و انگليس پذيرفتند ماهانه ۲۰۰۰۰۰ تومان به ايران بپردازند. در آن زمان اين مبلغ معادل ۳۰۰۰۰ پوند، با نرخ مبادله ۶۵ قران (۶/۵ تومان) به ازای هر پوند بود. در چند ماه نخست اين مبلغ پرداخت شد و بعد از انقلاب روسيه، روس‌ها پرداخت سهم خود را متوقف کردند. از آن پس پرداخت‌های انگليسی‌ها نیز بسيار نامنظم صورت می‌گرفت. در نتيجه مشکلاتی بر سر نرخ مبادله پديد آمد.

در اثر خريدهای کلان آذوقه توسط انگليسی‌ها، ارزش پول ايران در زمان جنگ جهانی اول افزايش هنگفت يافت. افزايش ارزش قران با چيزی که برای تورم شديد ناميد همراه شد. اين مبلغ در شتد نامعمول، آشکارا در نتيجه خريدها و خرج‌های کلان ارتش انگليس در ايران بود. اما، انگليسی‌ها به جمع‌آوری درآمدهای گمرکی که بسيار کاهش يافته بود، به قران که ارزش فراوانی پيدا کرده بود ادامه دادند،

***مهم‌ترین اقدام مالی عليه ايران محروم ساختنش از درآمدهای نفتی بود. در زمانی که ميليون‌ها ایرانی گرسنه بودند، دولت انگليس و شرکت نفت انگليس و ايران (آنها در واقع یکی بودند) درآمدهای نفتی ايران را به بهانه‌ای واهی ضبط کردند.**

* **جلوگیری از دسترسی ايران به منابع مالی بخشی از سياست انگليسی‌ها برای محروم ساختن ايران از ارزاق خود بود. به طور سنتی، درآمد گمرکات شمال و جنوب مهم‌ترين منبع درآمد دولت ايران بود. به سبب بدهی دولت ايران به بریتانيا و روسيه، درآمد گمرکات جنوب و شمال را به ترتيب دولت‌های انگليس و روسيه جمع می‌کردند. از اين درآمدها سود و اقساط وام‌ها کسر می‌شد و مانده آن به دولت ايران پرداخت**

۱- حزب شيعوی، از احزاب چپ لبنان که در رهبری یک فرد مسيحي به نام جرج حاوی شکل گرفت، شيعيان بسياری در اين حزب عضو هستند. (حزب شيعوی معادل حزب توده ايران در لبنان بود)

۲. افواج المقاومة اللبنانييه – امل. در ژوئيه ۱۹۷۵ امام موسی صدر آن را ايجاد کرد که در ابتدا بازوی نظامی حره که المحرومين شمرده می‌شد، ولی بعدها جنبش امل به سازمانی کلاسا سياسي و نظامی تبديل شد.

۳. حزب کتائب، بزرگ‌ترين حزب دست‌راستی لبنان است، که رهبر آن پسر جيميل و معروف به فالانژيست بود. بعد از کشته شدن پير جميل، بشير جيميل عهده‌دار رهبری اين حزب شد. هدف اين حزب حفظ حاکميت و سلطه مارونيت مسيحي در لبنان بود.

۴. ايتالله سيدموسی صدر در ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ در شهر قم متولد شد و در همان شهر دروس ابتدایي و متوسطه را گذراند. وی تحصيلات علوم اسلامي خود را در حوزه‌های علميه قم و نجف می‌گذراند و در درس امام خميني(ره) و حضرت آيت‌الله بروجردی، محقق دافع‌الکفر، کرم‌راهی، سيداحمد خوانساری، علامه طباطبایي، سلطانی طباطبایي بهره برد. صدر تحصيلات عالی خود را در مقطع کارشناسی و در رشته اقتصاد در دانشگاه تهران به پايان رساند.

وی به زبان‌های عربي، انگليسی و فرانسه آشنا بود. امام موسی صدر مدتی در حوزه علميه قم به تدريس فقه، اصول، منطق و فلسفه پرداخت، پس از فوت پدر بزرگوارش در سال ۱۳۴۴ به نجف رفت و تا سال ۱۳۲۷، محضر آیات عظام سيدمحسن حکيم و سيدابوالقاسم خویی استفاده کرد. او در ۱۳۳۷ به ايران بازگشت و در آذر ماه همان سال اوين مجله حوزه به نام مکتب اسلام را با کمک تعدادی از انديشمندان حوزه و برخی تاجر متعهد تهران منتشر کرد.

۵. دکتر مصطفی چمران، در ۱۱ بهمن ۱۳۱۱ ش. در شهر قم ديده به جهان گشود. تحصيلات ابتدایي‌اش را در مدرسه انتصاربه نزديک پامناز گذراند و برای تحصيلات متوسطه به دبيرستان دارالفنون؛ و دو سال آخر را به صورت رايگان در دبيرستان البرز گذراند و در طول اين دوران همواره شاگرد ممتاز بود. در سال ۱۳۳۲ به دانشکده فني دانشگاه تهران در رشته مهندسی برق راه يافت و در سال ۱۳۳۶ با معدل و نمراتی ممتاز فارغ‌التحصيل شد. او از پازنده سالگی در درس تفسير قرآن مرحوم آيت‌الله طالقانی در مسجد هدايت و در دوره دانشجویی در جلسات درس فلسفه و منطق استاد شهيد آيت‌الله مطهری حاضر می‌شود. و از اعضای فعال انجمن اسلامي دانشجويان محسوب می‌شد. چمران در سال ۱۳۳۷ با بورس تحصيلی شاگرد ممتازی به خارج از کشور رفت و توانست فوق‌ليسانس مهندسی برق را با درجه ممتاز از دانشگاه تگزاس و دکتری الکترونیک و فيزيک پلاسما (مهندسی گرفت هسته‌ای) را از دانشگاه برکلی آمريکا با بهترين درجه علمی کسب کند.

۶. دکتر ششم تحمیل تنگنای مالی به ايران از سوی دولت‌های انگليس و روسيه بررسی می‌شود. بايد اشاره کرد که از منظر تحريم‌های فعلی ايران به سبب برنامه هسته‌ای جنرال‌رانگيزش، موضوع فصل شش جناليت و اهميت خاصی دارد. جلوگيري از دست‌رسي ايران به منابع مالی بخشی از سياست انگليسی‌ها برای محروم ساختن ايران از ارزاق خود بود. به طور سنتی، درآمد گمرکات شمال و جنوب مهم‌ترين منبع درآمد دولت ايران بود. به سبب بدهی دولت ايران به بریتانيا و روسيه، درآمد گمرکات جنوب و شمال را به ترتيب دولت‌های انگليس و روسيه جمع می‌کردند. از اين درآمدها سود و اقساط وام‌ها کسر می‌شد و مانده آن به دولت ايران پرداخت

۷. حزب شيعوی، از احزاب چپ لبنان که در رهبری یک فرد مسيحي به نام جرج حاوی شکل گرفت، شيعيان بسياری در اين حزب عضو هستند. (حزب شيعوی معادل حزب توده ايران در لبنان بود)

۸. افواج المقاومة اللبنانييه – امل. در ژوئيه ۱۹۷۵ امام موسی صدر آن را ايجاد کرد که در ابتدا بازوی نظامی حره که المحرومين شمرده می‌شد، ولی بعدها جنبش امل به سازمانی کلاسا سياسي و نظامی تبديل شد.

۹. ايتالله سيدموسی صدر در ۱۴ خرداد ۱۳۰۷ در شهر قم متولد شد و در همان شهر دروس ابتدایي و متوسطه را گذراند. وی تحصيلات علوم اسلامي خود را در حوزه‌های علميه قم و نجف می‌گذراند و در درس امام خميني(ره) و حضرت آيت‌الله بروجردی، محقق دافع‌الکفر، کرم‌راهی، سيداحمد خوانساری، علامه طباطبایي، سلطانی طباطبایي بهره برد. صدر تحصيلات عالی خود را در مقطع کارشناسی و در رشته اقتصاد در دانشگاه تهران به پايان رساند.

وی به زبان‌های عربي، انگليسی و فرانسه آشنا بود. امام موسی صدر مدتی در حوزه علميه قم به تدريس فقه، اصول، منطق و فلسفه پرداخت، پس از فوت پدر بزرگوارش در سال ۱۳۴۴ به نجف رفت و تا سال ۱۳۲۷، محضر آیات عظام سيدمحسن حکيم و سيدابوالقاسم خویی استفاده کرد. او در ۱۳۳۷ به ايران بازگشت و در آذر ماه همان سال اوين مجله حوزه به نام مکتب اسلام را با کمک تعدادی از انديشمندان حوزه و برخی تاجر متعهد تهران منتشر کرد.

۵. دکتر مصطفی چمران، در ۱۱ بهمن ۱۳۱۱ ش. در شهر قم ديده به جهان گشود. تحصيلات ابتدایي‌اش را در مدرسه انتصاربه نزديک پامناز گذراند و برای تحصيلات متوسطه به دبيرستان دارالفنون؛ و دو سال آخر را به صورت رايگان در دبيرستان البرز گذراند و در طول اين دوران همواره شاگرد ممتاز بود. در سال ۱۳۳۲ به دانشکده فني دانشگاه تهران در رشته مهندسی برق راه يافت و در سال ۱۳۳۶ با معدل و نمراتی ممتاز فارغ‌التحصيل شد. او از پازنده سالگی در درس تفسير قرآن مرحوم آيت‌الله طالقانی در مسجد هدايت و در دوره دانشجویی در جلسات درس فلسفه و منطق استاد شهيد آيت‌الله مطهری حاضر می‌شود. و از اعضای فعال انجمن اسلامي دانشجويان محسوب می‌شد. چمران در سال ۱۳۳۷ با بورس تحصيلی شاگرد ممتازی به خارج از کشور رفت و توانست فوق‌ليسانس مهندسی برق را با درجه ممتاز از دانشگاه تگزاس و دکتری الکترونیک و فيزيک پلاسما (مهندسی گرفت هسته‌ای) را از دانشگاه برکلی آمريکا با بهترين درجه علمی کسب کند.

صفحه پاورقی

روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می‌شود